

قول تاج برای حل مشکل واردات سیستم VS

در نشست اخیر رئیس فدراسیون فوتبال با مسئولان کمیته فوتسال، موضوع خرید کمک داور ویدئویی (VS) در فوتسال مطرح و با وعده پیگیری مستقیم او همراه بوده است. درحالی‌که فدراسیون فوتبال و کمیته فوتسال مراحل راه‌اندازی سیستم کمک‌داور ویدئویی (VS) در فوتسال را پشت سر گذاشته‌اند، تخصیص نیافتن ارز از سوی بانک مرکزی مانع ورود این سیستم به کشور شده؛ موضوعی که در نشست مدیران فوتسال با رئیس فدراسیون فوتبال مطرح شده و با وعده پیگیری مستقیم او همراه بوده است. در جلسه‌ای که میان مدیران فوتسال و رئیس فدراسیون فوتبال برگزار شد، رئیس فدراسیون با تاکید بر اهمیت استفاده از فناوری دآوری در فوتسال، وعده داده شخصا موضوع تخصیص ارز را از مسیرهای مرتبط پیگیری کند. هنوز زمان مشخصی برای ورود این سیستم اعلام نشده و مشخص نیست وعده داده‌شده چه زمانی به نتیجه عملی خواهد رسید.

درخواست میزبانی استقلال از گل‌گهر در مشهد

مدیران باشگاه استقلال درخواست میزبانی از تیم فوتبال گل‌گهر در ورزشگاه امام رضاع) مشهد را داده است. تیم فوتبال استقلال در هفته پانزدهم لیگ برتر روز یکشنبه هفتم دی، به مصاف تیم گل‌گهر خواهد رفت. شاگردان سایپتو برای ماندن در کورس قهرمانی، به دنبال زمین چمنی خارج از تهران هستند. با توجه به وضعیت نامطلوب چمن ورزشگاه شهدای شهر قدس، مدیران باشگاه استقلال در نامه‌ای رسمی از مسئولان ذی‌ربط خواستند دیدار پایانی نیم‌فصل در ورزشگاه امام رضای مشهد برگزار شود. تاکنون با این درخواست موافقت نشده است و به دلیل نبود ورزشگاه استاندارد در تهران، مسئولان استقلال تصمیم دارند این مسابقه را در مشهد برگزار کنند. پیش‌ازاین نیز آبی‌ها برای چند دیدار درخواست برگزاری بازی‌ها در ورزشگاه‌های امام رضای مشهد و انقلاب کرج را مطرح کرده بودند که با این درخواست‌ها موافقت نشده بود.

فسخ قرارداد دروازه‌بان ازبکستانی با فولاد

قرارداد اتکیر یوسوویف، دروازه‌بان ازبکستانی فولاد خوزستان، بعد از توافق با مدیران این باشگاه فسخ شد و او حالا درصدد توافق با تیمی دیگر است. یوسوویف در بازی با ایران در تورنمنت کافا مصدوم شد و حالا در فصلی که منتهی به جام جهانی است، برای اینکه فرصت بازی پیدا کند، در نهایت تصمیم به جدایی گرفت.



ظاهرا فولاد بابت فصل جدید، پولی به این دروازه‌بان پرداخت نکرده است. با جدایی یوسوویف، حامد لک و محسن فروزان، دو دروازه‌بان حاضر در تیم فولاد خوزستان خواهند بود.

برزیل به دنبال ادامه همکاری با آنچلوتی

مسئولان فدراسیون فوتبال برزیل به دنبال ادامه همکاری با کارلو آنچلوتی بعد از جام جهانی هستند. کنفدراسیون فوتبال برزیل در حال مذاکره با کارلو آنچلوتی برای تمدید قراردادش تا سال ۲۰۳۰ است. آنچلوتی ۶۶ساله، در ماه می با قرارداد یک‌ساله که تا پایان جام جهانی ۲۰۲۶ اعتبار دارد، به این سمت منصوب شد. این مربی ایتالیایی، اولین سرمربی خارجی برزیل محسوب می‌شود که در پایان فصل ۲۰۲۵-۲۰۲۴ رئال مادرید را ترک کرد تا جایگزین دوریوال جونیور شود که در ماه مارس پس از ۱۴ ماه مربیگری برکنار شد. آنچلوتی هدایت چهار بازی باقی‌مانده از رقابت‌های انتخابی جام جهانی ۲۰۲۶ را برعهده گرفت. او با دو برد، یک تساوی و یک باخت توانست با این تیم جواز حضور در جام جهانی را به دست بیاورد. سمیر ژاد، رئیس کنفدراسیون فوتبال برزیل، علاقه خود را به تمدید قرارداد با آنچلوتی ابراز کرد. وقتی او درمورد احتمال این موضوع سؤال شد، گفت: «من این گفت‌وگو را مثبت می‌بینم و تمایل داریم او در تیم ملی برزیل بماند». آنچلوتی یکی از موفق‌ترین مربیان تاریخ، پنج بار قهرمان لیگ قهرمانان اروپا شده و شش بار نیز با میلان، چلسی، پاری‌سن‌ژرمن، بایرن مونیخ و مادرید قهرمان لیگ شده است. جام جهانی ۲۰۲۶ اولین باری خواهد بود که آنچلوتی هدایت یک تیم ملی را در این تورنمنت برعهده دارد. او در سال ۱۹۹۴ به عنوان دستیار آریکو ساکی در رسیدن ایتالیا به فینال فعالیت کرد.

انتقاد رسانه یونانی؛ بدترین نمایش المپیاکوس

یک رسانه یونانی در گزارشی به عملکرد تیم فوتبال المپیاکوس مقابل آریس پرداخت و از بازیکنان و سرمربی این تیم انتقاد کرد. تیم‌های فوتبال المپیاکوس و آریس در هفته چهاردهم مسوبر لیگ یونان رودرو روی هم قرار گرفتند که این بازی با نتیجه تساوی بدون گل به پایان رسید. مهدی طارمی، مهاجم ایرانی المپیاکوس، به طور کامل برای تیمش بازی کرد اما موفق نشد گل‌زنی کند. سایت «gazzetta» یونان درباره این بازی نوشت: «بازیکنان و همچنین سرمربی تیم فوتبال المپیاکوس در دیدار برابر آریس عملکرد ضعیفی داشتند؛ مسابقه‌ای که در آن داور نیز قضاوت ضعیفی از خود به نمایش گذاشت. المپیاکوس، تیمی که بدون تردید یکی از بدترین نمایش‌های فصل را ارائه داد، فوتبالی ضعیف، بدون منطق و بدون خلق موقعیت‌های جدی. حتی در محدود صحنه‌های خوب هم ضربات نهایی بازیکنان این تیم از جمله ژالسون، استرقتسا و البته موقعیت تک‌به‌تک اسه، کارآمد و مؤثر نبود». در این گزارش آمده: «بی‌تردید دنی کارسیا از نظر فنی یکی از چهره‌های منفی این مسابقه بود؛ چه به خاطر اخراجش و چه به دلیل خطاها و تکل‌هایی که انجام داد. دراین‌میان کار فنی و شخص خوزه لوئیز مندیبار هم سهمی از این وضعیت داشتند؛ چراکه با توجه به عملکرد ضعیف کارسیا، می‌توانستند خیلی زودتر او را از زمین بیرون بکشند تا المپیاکوس حداقل آن قافیق (تا زمان اخراج فاندینگا) را با یک بازیکن کمتر سپری نکند. هافبک اسپانیایی یکی از بدترین نمایش‌های خود با پیراهن المپیاکوس را ارائه داد. به طور کلی در خط میانی و حمله به‌سختی می‌توان بازیکنی را پیدا کرد که عملکردی پذیرفتنی داشته باشد. شاید تا حدی طارمی که منجر به اخراج فاندینگا شد و همچنین موزاکیتس که یکی از موقعیت‌های بزرگ اسه را ساخت، استثنا باشند».

چند سکانس از دعوای لفظی و فیزیکی فقط در یک روز

امان از این فوتبال پر خاشگر

شرق: اخلاق در فوتبال هر روز کم‌نگرتر از روز قبل می‌شود. بدیهی است که فشارهای اقتصادی باعث شده مردم کم‌تحمّل و کم‌طاقت شوند. اما بی‌اخلاقی‌ای که از آن صحبت می‌کنیم ارتباط مستقیم با اهالی فوتبال دارد. کسانی که به نظر می‌رسد کمتر از مردم عادی در مضیقه باشند. حداقل کمتر دغدغه معیشت دارند و از سویی نکته مهم اینکه باید براساس جایگاه خود، الگویی برای جوانان هم باشند اما اوضاع شکل دیگری است. بعد از صحبت‌های غیر اخلاقی و زشت خداداد عزیززی روی آنتن تلویزیون و چند روز بعد تکرار همان کلمات در جمع خبرنگاران و اصحاب رسانه، کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال او را احضار کرد. خداداد هم بعد از بازی روز یکشنبه تراکتور، بالاخره از خانواده‌ها غدرخواهی کرد. جنجال بعدی را جواد خیابانی به پا کرد. انکار خاصیت برنام‌های زنده است که به مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌کننده اجازه می‌دهد که هر حرفی را به‌راحتی به زبان آورند. خیابانی گفت: «انسان‌های پاک فوتبالیست نمی‌شوند». ادعایی بزرگ و سنگین که خون اهالی فوتبال را به جوش آورد و شجاع خلیل‌زاده هم با همان ادبیاتی که از او سراغ داریم (!) خشم خود را این‌بار سر مجری و گزارشگر تلویزیون خالی کرد. البته خیابانی هم پس از جنجالی که به پا شد و در برنامه یک روز بعد، تاکید کرد که باید ۲۷ دقیقه ویدئو صحبت‌های او دیده شود تا همه متوجه منظورش شوند و حرفی که زده، صحبت‌های جامعه‌شناسان بوده، نه صحبت‌های خودش. اما در ازبین‌رفتن اخلاق، فقط کلام نیست که مثل خنجر پاره



می‌کند و جلو می‌رود. بی‌اخلاقی‌ای که ما از آن صحبت می‌کنیم از شکل کلامی به شکل فیزیکی هم تبدیل شده است. در مسابقات لیگ کشتی، رفتار تماشاگران بیشتر از آنکه مختل‌کننده مسابقات باشد، باعث حیرت جامعه باید باشد که چرا به چنین نقطه جوشی رسیده‌ایم؟ پرتاب بطری آب که قبلا خاص مسابقات فوتبال بود بعد از کشتی احتمالا به‌زودی به دیگر سالن‌های ورزشی هم می‌رسد. اوج بطری‌پرانی همیشه در مسابقات دربی به چشم می‌آمد. همین دربی «بی‌خود و بی‌خاصیتی» که در اراک برگزار شد، به غیر از تماشاگران که تکه‌های سیمان به سمت بازیکنان پرتاب می‌کردند، صحنه‌ای هم از به‌کاربردن الفاظ نامناسب توسط سروش رفیعی روی آنتن زنده پخش شد؛ اتفاقی که باشگاه استقلال به آن واکنش نشان داد و خواهان برخورد با او شد. سروش رفیعی در بازی اخیر سرخ‌ها با آلومینیوم بعد از پایان مسابقه زمانی که به سمت نیمکت تیم میهمان رفت با سرپرست این تیم درگیری لفظی پیدا کرد. هرچند این نکته هم وجود دارد که سرپرست آلومینیوم ابتدا او را «هل» داد. گرچه فرقی در نفس زشت برخورد نیست. بعد از این درگیری روح‌الله اصغری، سرپرست آلومینیوم، گفت: «رفیعی در طول بازی با امیر نوری کاپیتان ما درگیری لفظی داشت و تا ورود به رختکن با هم بحث می‌کردند. رفیعی در پایان بازی به ما خسته نشاید نگفت. او به مربیان ما گفت به نوری بگویید در اندازه ما نیست که کل‌کل کند!». اصغری همچنین در نقد رفیعی گفت: «نباید مقابل دوربین‌های تلویزیون ظاهرسازی کنیم، اما رفتار متفاوتی در باطن داشته باشیم». اصغری به بازی دربی اشاره کرد و گفت اگر بازیکن آلومینیوم به سمت نیمکت پرسپولیس می‌رفت، ۱۰ برابر خاشیه درست می‌شد.

اما این پایان ماجرای درگیری‌ها در یک روز فوتبالی نیست. در یکی از بازی‌های هفته پانزدهم رقابت‌های لیگ دسته اول، شکست روز یکشنبه نفت و گاز گچساران در تبریز مقابل مس سونگون در حالی رقم خورد که این نتیجه باعث شد شاگردان محمود فکری در منطقه پایین جدول قرار بگیرند. اما داستان اصلی بعد از پایان بازی اتفاق افتاد. محمود فکری درحالی‌که دستیار خود را به نشست خبری می‌فرستاد به درخواست یک هوادار برای گرفتن سلفی پاسخ منفی داد. بنا به ادعای خبرنگاران حاضر در میکسدزون، فکری رفتار نامناسبی با آنها داشته و بعد از اینکه خبرنگاران به او گفته‌اند الزامی برای مصاحبه نیست، چندین نفر از همراهان تیم نفت و گاز گچساران با حمله به دو خبرنگار اموال آنها را تخریب کرده و تکت‌کاری راه انداخته‌اند. حاضران در محل بعد از تماس با پلیس، موفق شده‌اند که موبایل‌های ضبط‌شده توسط افراد خاصی را پس بگیرند. بزرگزار حبیبی درباره خبر ضرب و شتم خبرنگاران تبریزی به دست اطرافیان محمود فکری، سرمربی تیم فوتبال نفت و گاز گچساران، گفت: «باید به‌صورت شفاف با او صحبت کنم تا ببینم چه اتفاقی رخ داده است. حرف‌های ضد و نقیضی وجود دارد، اما اگر بی‌احترامی رخ داده باشد، هیچ توجیهی وجود ندارد». مدیرعامل باشگاه نفت و گاز گچساران گفت که در صورت بی‌احترامی نسبت به خبرنگاران، هیچ توجیهی پذیرفتنی نیست و فرد خاطی مورد تنبیه قرار می‌گیرد. بعد از انتشار تصاویری از گردن آسیب‌دیده یک خبرنگار، انجمن ورزشی‌نویسان ایران در محکومیت

رفتار غیرحرفه‌ای کادر فنی باشگاه نفت و گاز گچساران تاسف خود را از اتفاق افتاده ابراز کرد. در بیانیه انجمن آمده: «رفتار زشت اعضای کادر فنی و همراهان تیم نفت و گاز گچساران، نقض آشکار حقوق قانونی خبرنگاران، خدشه به امنیت شغلی اهالی رسانه و ضربه‌ای جدی به اصول اخلاقی ورزش کشور محسوب می‌شود». انجمن ورزشی‌نویسان تاکید کرده است که این پرونده را تا احقاق کامل حقوق قانونی و حرفه‌ای آنها از مجاری رسمی، حقوقی و انضباطی پیگیری خواهد کرد و اجازه نخواهد داد چنین رفتارهایی به رویه‌ای عادی در فضای ورزش کشور تبدیل شود. در فرودگاه اهواز هم محمد دانشگر و میلاد زکی‌پور که به همراه تیم سپاهان راهی اهواز شده‌اند با یک هوادار درگیری فیزیکی پیدا کرده‌اند. براساس شنیده‌ها ماجرا از این قرار است که یکی از هواداران حاضر در فرودگاه کلماتی زنده علیه برخی بازیکنان سپاهان که سابقه عضویت در استقلال را دارند، به زبان می‌آورد و سبب می‌شود تا محمد دانشگر و میلاد زکی‌پور که هر دو سابقه حضور در اردوی آبی‌پوشان تهرانی را دارند، علیه این هوادار که به نظر آنها پرسپولیسی بوده، برآشوند و وارد درگیری فیزیکی با او بشوند. جزئیات زیادی درباره میزان و شدت درگیری فیزیکی ایجادشده میان دو بازیکن سپاهان و هوادار اهوازی حاضر در فرودگاه این شهر وجود ندارد اما ابعاد این درگیری به حدی بوده که باعث شکایت هوادار اهوازی شده و دو بازیکن سرشناس سپاهان و همین‌طور سایر اعضای تیم را به دردرس انداخته است. به همین سادگی پایه‌های اخلاقی در یک جامعه فرومی‌ریزد. خشم‌های تلبارشده روی هم از جایی بیرون می‌زنند. این روزها ورزش صحنه‌ای هم برای ابراز نفرت شده هم برای درگیری‌های فیزیکی. احتمالا ماجراهای بیشتری در راه باشد.

نسخه اقتصادی اوسمار برای پرسپولیس

هفته چهاردهم رقابت‌های لیگ برتر با ادامه بردهای اقتصادی پرسپولیس و کامیک تراکتور مقابل پیکان آغاز شد. در شهرقدس که بازی به بازی کیفیت زمین آن بدتر می‌شود، پرسپولیس مقابل آلومینیوم اراک صف‌آرایی کرد و با گل زودهنگام بیفوما به برتری رسید. نیاز به تقویت پرسپولیس در نیم‌فصل به‌خوبی احساس می‌شود. در ابتدای فصل که اغلب کارشناسان و پیش‌کسوتان و هواداران تاکید می‌کردند پرسپولیس با تک‌مهاجم نمی‌تواند در فاز هجومی موفق باشد، گوش شنوایی وجود نداشت، علیپور به تدریج از مهاجمی که یک تنه بار سنگین گل‌زنی قرمزها را به دوش می‌کشید، به بازیکنی بدل شده که ۶۰ دقیقه است در این مهم ناکام مانده، اوسمار ویرا درباره اینکه به نظر می‌رسد بعد از گل، پرسپولیس در لاک دفاعی رفت، تاکید کرد که این حرف را قبول ندارد. در هر حال پرسپولیس با این برد شرایط خود در بالای جدول را تثبیت کرد و نکته مهم اینکه اوسمار از پنج بازی صاحب ۱۳ امتیاز شده است؛ بردهایی اقتصادی و اغلب با حداقل گل و اختلاف. اما سرخ‌ها فعلا به همین جمع‌آوری امتیازات راضی هستند. در روزی که تراکتور مقابل پیکان کامیک زد و سه امتیاز را گرفت، ماجرای زمین و چمن اقتضاج یک بار دیگر خودنمایی کرد. باشگاه تراکتور بعد از این دیدار با انتشار اطلاعیه‌ای از بازی‌نکردن در ورزشگاه بنیاد دیزل خبر داد: «به دستور محمدرضا زنوزی، مالک باشگاه، با توجه به عدم کسب نتایج مورد نظر در استادیوم بنیاد دیزل و همچنین درخواست اعضای تیم، اعلام می‌شود از این پس این ورزشگاه میزبان مسابقات تراکتور نخواهد بود و بازی‌ها در این مکان برگزار نمی‌شود. انتظار می‌رود مسئولان در آماده‌سازی ورزشگاه یادگار امام و فراهم‌کردن شرایط برای میزبانی تراکتور اقدام جدی به عمل آورند».

۴۰ روز از آخرین پرش کاظمی گذشت

دلتنگ والیبال نشدی صابر؟

افسون حضرتی: در باز می‌شود، باز هم میهمان است، آمده برای عرض تسلیت، برای فاتحه‌خواندن و سرسلامتی‌دادن به پدر و مادری که از ۴۰ روز پیش تا امروز کمرشان خم مانده. دوباره تغه‌ای در می‌خورد، باز هم میهمان است. پس کی صابر از راه می‌رسد؟ اشکی برای ریختن در چشمان پدر و مادر نمانده. باید میهمانداری کنند. باز هم یک میهمان غریبه است، این بار از تهران آمده. برایشان آرزوی صبر می‌کنند. راستی میهمانان دیروز از کجا آمده بودند؟ آنها هم‌محلی نبودند، لهجه جنوبی داشتند، بچه‌های گرم جنوب بودند با سرهای پایین‌انداخته و صدای لرزان به پدر و مادری داغدار تسلیت گفتند. شرم داشتند از اینکه در چشمان آنها نگاه کنند. انکار مقصر رفتن بی‌بازگشت صابر آنها هستند. پدر خیلی خوب معنی این نگاه‌ها را در این ۴۰ روز فهمیده خانه لحظه‌ای از میهمان خالی نمی‌شود. غریب و آشنا، وقت و بی‌وقت به دیدنشان می‌آیند. پدر مجبور است لبخند بزند. بغضش را فروبدهد و با میهمانانی که نمی‌شناسد هم‌کلام شود و از خاطرات صابر بگوید. میوه و چایی تعارف کند: «بفرمایید شیرینی میل کنید». از کدام شیرینی حرف می‌زنند؟ از حنظلی که هر ثانیه جرعه‌جرعه فرومی‌دهد؟ از آخرین گفت‌وگو با صابر می‌گوید، شاید لبخند هم بزند، نه دلش روا ندارد که از فعل گذشته استفاده کند. مادر سرش پایین است. داستان‌هایی را که پدر برای میهمان تعریف می‌کند در خاطرش مرور می‌کند. در ایوان خانه «اوککا دده» نشسته و دعا می‌خواند. بی‌تاب است. بلند می‌شود و به سمت تور والیبالی که وسط حیاط است می‌رود. پنجه در تور می‌اندازد، با قدرت، محکم. انکار می‌خواهد صابر را از آن سویی تور به سمت خودش بکشد. تور لعنتی بین آنها تا ابد فاصله انداخت.



رحمان بردی، عمومی ارشد صابر کاظمی، هر روز بی‌تابی می‌کند. داغ جوان کمر را خم می‌کند. عمویی که صابر او را «اوککا دده» یعنی پدربزرگ صدا می‌زد و برایش عزیز بود. از روز خاک‌سپاری تا چهل‌م صابر، عمو رحمان هر روز بی‌قراتر می‌شود. دائم با خود تکرار می‌کند که چطور جوانی به آن رعنائی زیر خاک آسوده خوابیده؟ شاید ما خوابیده‌ایم و او بیدار است. کاش بیاید و بیدارمان کند و بگوید «دیدید چقدر سخت بود نبودم، بیخشید اوککا دده، شوخی کردم، با تلویزیون را روشن کن و مرا ببین که در زمین والیبال تیم ایران را به مسابقه برمی‌گردانم. خودم هم در زمین مسابقه زندگی مانده‌ام، شاید جسمم پیشان نباشد، ولی یادم هست، عکسم هست، بازی‌های به‌یادماندنی ام هست، حتی داستان عجیب پرکشیدم هم همیشه با شماست. من در زمین والیبالم، همان جایی که درخشیدم، استعداد شدم، همان زمینی که زخمی‌ام کرد، طرد شدم، سکوت کردم، جان دادم، ولی در یاد ماندم. نه‌فقط برای ۴۰ روز، برای یک عمر در یادها ماندم. تاریخ از من خواهد گفت که چطور استعدادی قربانی تصمیم‌گیری‌های غلط شد. بخندید، پدر و مادر، اوککا دده بخند، من بیدارم، اگر صابر نبودم که نمی‌توانستم غم طردشدگی را تحمل کنم. بیایید یک دست والیبال بازی کنیم. بچه‌های محله را صدا کنید، من صابرم، همان صابر کوچولو همان که آن‌قدر قد کشید که در تابوت جا نمی‌شد. عکس‌هایم را ببینید، لبخندم را ببینید. هنوز می‌خندم. به خنده‌داربون این زندگی مسخره می‌خندم. به آدم‌هایی که مرده‌پرست هستند می‌خندم. من که زنده‌ام. جوانم. مرگ مال جوانان نیست. مرگ را چه به ورزشکار. من بهترین بازیکن آسیا شدم. با من از روشنایی و پیروزی بگویید. بیایید با خنده والیبال بازی کنیم. دلم برای بازی کردن تنگ است.

